

# نقش شورای ولایتی با صلاحیت در حکومتداری خوب و تمثیل اراده مردم

علی جان تاتارخانی / قسمت اول

## سرمقاله سفر وزیر امور داخله و نتایج آن

محمد رضا هویدا

وزیر امور داخله دیروز به غزنی سفر کرد. جایی که ماه ها است از گروگان گیری گرفته تا قتل های کور و بی هدف و زدی وهار تگری رنج می برد.

غزنی و کابل فاصله ای چندانی ندارند. غزنی سال گذشته پایتخت فرهنگی جهان اسلام بود. ولی هرگز این ولایت به امنیت و ثبات و حاکمیت قانون نرسید.

با اوج گیری تحریکات طالبان و گروه تروریستی داعش، ناامنی در غزنی نیز اوج گرفته است. طالبان و داعش به شیوه جدیدی از آزار و اذیت مردم پرداخته اند.

گروگان گیری ها در غزنی مردم را به جان رسانیده اند. در مدت این چند ماه، مردم غزنی واقعا بار سنگین ناامنی و گروگان گیری را به تمام معنا تحمل کرده اند. وضعیتی که در غزنی در چند ماه گذشته وجود داشته، بر روح و روان مردم تاثیرات منفی زیادی گذاشته است. تا حدی که آنها به هر دروازه ای و مقامی مراجعه کرده اند تا از کشته شدن و به گروگان گرفته شدن فرزندان شان جلوگیری کنند.

رفتن وزیر امور داخله در غزنی که یکی از دروازه کابل شماره می شود، و امنیت آن مستقیما بر امنیت کابل تاثیر دارد، حد اقل از نظر روانی برای مردم اثر گذار است. اما با اقدامات مقطعی و موقتی نمی توان امنیت را در این ولایت تامین کرد. امنیت در ولایتی که طالبان در آن برای سالها سرمایه گذاری کرده اند و سعی کرده تا کنترول آن را به دست گیرند، با اقدامات موقتی و مقطعی امکان پذیر نیست. گفته می شود وزیر امور داخله طرح تشکیل شماری افراد اربکی در ولسوالی های نا امن این ولایت را روی دست دارد.

طرح تشکیل نیروهای اربکی به عنوان یک راهکار موقتی می تواند کمک موثری برای تامین امنیت شماری از ولسوالی ها و راه های مواصلاتی که در حال حاضر با مشکل گروگان گیری روبرو هستند باشد.

اما این راهکار در صورتی موفق خواهد بود که پولیس محلی کاملا از سوی دولت حمایت شود و بتواند به وظایف خود عمل کند. تمام اینها در زمانی است که نهادهای امنیتی به وظایف خود عمل کنند و از نگاه امنیتی این ولایت مورد توجه ویژه قرار گیرد. همان گونه که امنیت غزنی تابع امنیت کل کشور نیز می باشد. غزنی در حلقه ارتباط با ولایات نا امن دیگری است که اوضاع امنیتی در این ولایات کاملا بر اوضاع غزنی تاثیر گذار است.

موضوع دیگری که وزارت امور داخله باید توجه داشته باشد، این است که در سالهای گذشته کم کاری ها و سهل انگاری ها و بی توجهی ها در ولایت غزنی صورت گرفته است.

تمام کارکرد ادارات امنیتی در سالهای گذشته باید مورد بررسی و بازبینی قرار گیرند. به شکایات مردم و شهروندان غزنی باید رسیدگی شود.

شکایات مردم از وضعیت امنیت و بسیاری مسایل دیگر برای وزارت امور داخله رهگشا خواهد بود. مردم غزنی بهتر می دانند که شاه کلیدهای امنیت در کجاست و چه کاری بکنند تا به امنیت برسند.

به هر صورت وزیر امور داخله توجه و ابتکار مناسبی داشته است. سفر به غزنی می تواند یک آغاز برای توجه و کار بیشتر از سوی وزارت امور داخله باشد در ولایاتی که از ناامنی ها رنج می برند. این سفر می تواند برای وزیر امور داخله پر دستاورد باشد.

در صورتی که وزارت امور داخله برنامه مشخصی داشته باشد و بتواند آن را تطبیق کند و امنیت نسبی به غزنی و ولسوالی هایش برگردد، اعتماد مردم به حکومت افزایش خواهد یافت و طالبان و دیگر نیروهای دهشت افکن نیز متوجه خواهند شد که در بودن نیروهای دولتی و مردم و توجه حکومت به وضعیت امنیتی این ولایت کاری از پیش برده نخواهند توست.

بی توجهی دولت و ادارات محلی طالبان و دیگر گروه های دهشت افکن را در این اواخر جری تر کرده است و آنها با خیال راحت به آدم ربایی و آدم کشی دست می زنند.

در اصل می توان گفت حکومت داری خوب جریان شکل گیری تصامیم از پایین به بالا یعنی از سطح حکومت داری محلی (شورای ولسوالی و ولایتی) تا سطح حکومت داری ملی و بین المللی (سپاستس خارجی) می باشد، حکومت داری محلی اولین گام برای مشارکت سیاسی و تمثیل اراده مردم در قالب حکومت داری خوب می باشند. تا اساس تعریف دیگر حکومت مورد حکومت داری خوب مطرح گردیده است، بانک جهانی حکومت داری خوب را چنین تعریف نموده است، حکومت داری خوب عبارت است از: «کاربرد قدرت برای مدیریت و مهندسی منابع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه» و به اساس تعریف دیگر حکومت داری خوب عبارت است از انجام وظایف حکومت به شیوه ای عاری از فساد، تبعیض و در چارچوب قوانین موجود. توسعه همه جانبه و حکومت داری خوب زمانی ممکن است که مشارکت گسترده مردم به عنوان سازنده گان اصلی حیات اجتماعی و سیاسی در تصمیم گیری ها در سطح ملی و محلی وجود داشته باشد. در اکثر تصمیم گیری های سیاسی اشتراک و سهم گیری مستقیم هر شهروند ممکن نیست. بنا مردم بصورت غیر مستقیم از طریق انتخاب نماینده گان در شوراهای اراده شان را بر تصمیم گیری ها و عملکردهای حکومت عملی میکنند، توسط نماینده گان شان کارگرهای حکومت را در سطح ولسوالی توسط نمایندگان منتخب شان در شورای ولسوالی، در سطح ولایات از طریق شورا ولایتی و در سطح ملی از طریق شورای ملی نظارت میکنند، نهادهای حکومتی را در قبال اجراءات و عمل کردهای شان پاسخگو می سازند. بنا شورا های ولایتی بحیث یک پل ارتباطی بین مردم، نهادهای مدنی و حکومت یک رکن بنیادی حکومت داری خوب را تشکیل می باشد. ساد صدوسی و نهم قانون اساسی افغانستان شورا های ولایتی را چنین

تعریف میکند: «شورا های ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح میگردد سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می دهد. شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می نماید.» و ماده دوم قانون شورا های ولایتی افغانستان شورا های ولایتی چنی تعریف میکند: «شورای ولایتی به حیث یک مجمع انتخابی به هدف ایجاد ساختاری که مشارکت و سهم گیری مردم و نهادهای جامعه مدنی را با ادراک دولت در سطح ولایت تأمین و ادارات ولایتی را در مامور مربوط مشوره دهد، فعالیت می نماید.» گروه صلاحیت نظارت که تاثیر گذاری شورا های ولایتی را بالای ارگان های اجرایی دولت در سطح ولایات تقویت میکند در هر دو تعریف ذکر نگردیده است اما تعریف دومی جامعتر به نظر می رسد. اما زمانیکه از شورا های ولایتی با صلاحیت صحبت به میان می آید شوراهای ولایتی باید بر علاوه آنچه که در قانون شورا های ولایتی بحیث وظایف اعضای شورای ولایتی ذکر گردیده که بصورت عموم وظایف عمده آن شامل نظارت، مشوره دهی و اشتراک در برنامه های انکشافی است باید صلاحیت تقیض و ارزیابی از کارگردهای ادارات دولتی را در سطح ولایات نیز داشته باشند و در عین حال مشوره، تقنیش و ارزیابی شوراهای ولایتی باید مانند دیگر تصامیم حکومت موده اجرایی داشته باشد.

برای اینکه بدانیتم نقش شورا های ولایتی در حکومت داری خوب و تمثیل اراده مردم چیست در نخست باید دیده شود که شاخصهای مهم حکومت داری خوب کدام عناصر اند و شورا های ولایتی برای رسیدن به این شاخص ها چه نقش را ایفا کرده می تواند. یکی از کاملترین فهرست های شاخص حکومت داری خوب توسط برنامه انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP) ارائه گردیده است که بر طبق این فهرست شاخصهای حکومت داری

خوب عبارت است از مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، توجه به خرد جمعی، اثر بخشی و کارایی، دیدگاه استراتژییک و اصلاح مدیریت دولتی می باشد. نقش شوراهای ولایتی در حاکمیت قانون (Rule of Law) بدون شک یکی از مهم ترین ویژگی های حکومت داری خوب عبارت از حاکمیت قانون یا حکومت قانون می باشد، حاکمیت قانون بدین معنی است که کار گزاران اداره امور عمومی مکلف اند اعمال و کارهای خود را مطابق احکام قانون ومقررات انجام دهند و به موجب این اصل کلیه فعالیت های حکومت تحت نظارت قانون قرار داشته و هیچکس فراتر از قانون نیست.



همان طوریکه پارلمان در سطح ملی مکلف است تا از نقض قانون توسط ادارات حکومتی جلوگیری کند و توسط ابزارهای قانونی مقاصات و ادارات حکومتی را وادار به پیروی از قانون کند، شورا های ولایتی نیز حیثیت شورای ملی را در یک ساحت محدود تر یعنی ولایات دارند، آنها به همکاری نهادهای مدنی فعال در بامیان بخاطر کم کاری دولت، یک تظاهرات راه اندازی نمود و در یک اقدام نمادین و طنز آمیز چند متر سرگ را کاه گل کردند. بنا براین شوراهای ولایتی و جامعه مدنی هر دو هدف و دیدگاه مشترک برای حکومت داری خوب و تمثیل اراده مردم در حکومت دارند و از جانب دیگر تجارب نشان داده است در ولایات که نهاد های مدنی فعال داشته موفقیت و کار کرد های شورا های ولایتی نیز بهتر بوده است. نقش شورای ولایتی در مشارکت همه جانبه: یکی دیگر از ویژگی های حکومت داری خوب اصل مشارکت و آماده ساختن زمینه برای سهم گیری و تمثیل اراده تمام شهروندان بدون هرگونه تبعیض در فرایند تصمیم گیری های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که به نحوی بالای زندگی مردم تاثیر گذاری دارند می باشند. زیرا تنها با مشارکت عادلانه تمام شهروندان از فقیر

# روزگار بد پناهجویان در کمپ های استرالیا

حسین بهمن

پناهجویان غیر قانونی به کلی مسدود شد. حکومت استرالیا اکنون میگوید که طی دو سال گذشته فقط یک کشتی حامل پناهجویان توانسته است که وارد ابهای استرالیا شود که تمامی سرنشینان آن به کمپ مانوس منتقل شده اند. از سویی دیگر طی دو سال گذشته هیچ پناهجویی در مسیر استرالیا را جانش را

جزیره مسکن گزین خواهند شد. اکنون که در خواست های پناهنده گی صدها تن ازین پناهجویان مشخص شده است دیده میشود که بسیاری از آنان مستحق پناهنده گی شناخته نشده اند. حکومت استرالیا میگوید آتانی که در ختم بررسی درخواست های پناهنده گی شان مستحق پناهنده گی شناخته نشده اند باید آماده اخراج ازین کمپ باشند. گفته میشود که در مرحله نخست حدود پنجاه تن از پناهجویان ازین کمپ اخراج و به کشورهای اصلی شان باز گردانده خواهند شد. اکثر پناهجویانی که در کمپ مانوس نگهداری میشوند ایرانی هستند اما تعدادی زیادی از شهروندان افغانستان نیز درین کمپ حضور دارند. حکومت استرالیا میگوید پناهجویانی که مستحق پناهنده گی شناخته میشوند مختارند که در جزیره مانوس زنده گی کنند و یا هم کشور کمبودی را برای سکونت بر گزینند. تا اکنون دستکم چهار پناهجوی ایرانی که مستحق پناهنده گی شناخته شده بودند به کشور کمبودی فرستاده شده اند. وضعیت نگهداری پناهجویان در کمپ مهاجرین که تحت اداره حکومت استرالیا میباشد، بارها از سوی نهادهای مدافع حقوق بشر مورد انتقاد قرار گرفته است.

وضعیت زنده گی پناهجویان در کمپ مانوس نیز همواره از سوی نهادهای حقوق سازمانهای بین المللی مورد انتقاد بوده است. عدم دسترسی پناهجویان به امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی، ارتباطات و نامناسب بودن فضای بودو باش پناهجویان از عمده ترین مواردی است که همواره مورد انتقاد بوده است. وضعیت زنده گی پناهجویان در سایر کمپهای استرالیا از جمله کمپ نارو نیز بهتر ازین نیست. پناهجویانی که هم اکنون درین کمپها بسر میبرند کسانی اند که خواب های استرالیا را میدینند و به هدف رسیدن به استرالیا خودشانرا به اب انداخته بودند اما روزگار سرنوشت انسان را اکنون به این کمپها کشانده اند. بسیاری ازین پناهجویان تمامی داروندار شانرا در افغانستان به فروش رسانده و پول آن را به قاچاقبران انسان پرداخته اند. بیخبر از اینکه نه تنها به استرالیا نرسیده بلکه مجبورند سالها عمر شانرا در داخل کمپهای که به زندان شباهت بیشتر دارند، بسربری کنند. پناهجویان در کمپهای استرالیا بارها به دلیل عدم رضایت از وضعیت موجود درین کمپها دست به اعتراضات و تحریم غذایی زده اند. به اساس گزارشها بارها پناهجویان



از دست نداده است. این در حالیکه در سال ۲۰۱۲ بیش از سه صد پناهجو هنگام سفرهای غیرقانونی در ابهای استرالیا جانها پشانشان را داده بودند. به اساس امارها از سال ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۲ حدود پانزده صد پناهجو در جریان سفر های غیرقانونی به استرالیا جانها پشانشان را از دست داده اند. سفر به استرالیا توسط کشتی که معمولا به صورت غیرقانونی انجام میشود یکی از خطرناک ترین شیوه های پناه گزینی در سطح جهان به شمار میرود. این گونه سفرها ععدتا از سوی قاچاقبران انسان که بیشتر آنان در کشور اندونزی یا مستقر هستند تسهیل میشوند. قاچاقبران انسان برای اینکه پولهای گزاف را بدست آورند صدها پناهجو را در کشتیهای کهنه و فرسوده جا بجا نموده و به صورت قاچاقی به سوی استرالیا انتقال میدهند. این کشتیها که چندین برابر ظرفیت خود پناهجو حمل میکنند در مقابل باد و طوفان فوق العاده آسیب پذیرند. طی پانزده سال گذشته بارها اتفاق افتاده است که کشتیهای حامل پناهجویان در مسیر استرالیا با تمامی سرنشینان شان در اب غرق شده و سرنوشت غمباری را برای پناهجویان و خانواده های آنان رقم زده است.

بلاکلیفی پناهجویان در بازداشتگاهها و اعلام اینکه این پناهجویان در کشور پاپوا گینه نو نیز پذیرفته نخواهند شد، منجر به آشوب و شورش در کمپ مانوس شد. در جریان این شورش رضا براتی، شهروند ایرانی کشته شد. در این حادثه ۷۷ نفر نیز مجروح شده اند. بدنبال کشته شدن این شهروندان ایرانی در یکی از کمپ های استرالیا هزاران تن از شهروندان استرالیا به خیابانها برآمده و خواستار تسهیل در روند پروسس درخواست های پناهجویان از سوی حکومت استرالیا شدند. با وجود اینکه مشکلات و انتقادات بین المللی حکومت استرالیا میگوید که راهی دیگری وجود ندارد و پالیسی این کشور در قبال پناهجویان هرگز تغییر نخواهد کرد. حکومت استرالیا میگوید که به خاطر مرگ این دو پناهجو در کمپهای استرالیا متاثر هست اما از اینکه توانسته است طی دو سال گذشته از مرگ صدها پناهجویی دیگر در ابهای استرالیا جلوگیری کند فوق العاده راضی خوشنود است. حکومت استرالیا به رهبری تونی ابوت و اوخر سال ۲۰۱۲ به صورت بی سابقه در قانون مهاجرت این کشور تعدیلات به وجود آورد. با عملی شدن برنامه های تونی ابوت دروازه های استرالیا بروی

نسیم نجفی جوان بیست ساله افغان یکی از پناهجویانی بود که در کمپهای استرالیا جانش را از دست داد. وی هفته گذشته در کمپ یونگهیل که در شمال شهر پرت استرالیا موقعیت دارد به دلایل نا معلومی در گذشت. هر چند علت مرگ وی مشخص نشده اما گفته میشود که وی به دلیل سگته قلبی جانشر از دست داده است. مقامات پولیس استرالیا گفته اند که برای علت یابی مرگ نسیم نجفی تحقیقات را آغاز کرده اند. نسیم نجفی در سال ۲۰۱۲ به صورت غیرقانونی و توسط یک کشتی وارد ابهای استرالیا شد. درخواست پناهنده گی وی که در حال پروسس قرار داشت هفته گذشته برای همیشه بسته شد. بدنبال مرگ نسیم نجفی هزاران تن از شهروندان افغانستان مقیم استرالیا و شعاری زیادی از شهروندان استرالیا یا افروختن شمع یاد و خاطره او را گرمای داشتند. نسیم نجفی با هزاران مشکل خودش را به استرالیا رسانده بود. رضا براتی:

رضا براتی شهروند ایران یکی دیگر از پناهجویانی است که در کمپهای پناهجویان استرالیا جانش را از دست داد. رضا براتی در سال ۲۰۱۲ در کمپ

### کارتون روز



پدر نان ندارد !!!

